

عبدالرضا نصاری:
تئاتر یک هنر تفننی نیست

برای کاراکتر مکداف آیا ما به ازای بیرونی داشتید؟

برای خلق کاراکتر مکداف به خود متن و اتودهای تمرین و البته راهنمایی‌های کارگردان کار متکی بودم. چون آقای دادگر شیوه خاص خود را دارند و تمام سعی من این بود که بر طبق شیوه ایشان عمل کنم و از راه و تمرین‌هایی که انجام می‌دادیم به کاراکتر مکداف برسیم. به همین خاطر می‌گویم ما به ازای بیرونی نداریم.

قضاوت مخاطب نسبت به نقشی که بازی می‌کنید در انتخاب نقش توسط شما تأثیری دارد؟

مخاطب نتیجه و حاصل فعالیت چند ماهه بازیگر بر روی صحنه را می‌بیند، هر اندازه بازیگر به نقش نزدیک شده باشد و به درستی ایفای نقش کند به تماشاگر خود نزدیک‌تر شده و رضایت آنها را جلب می‌کند. و این رضایت تماشاگر برای هر بازیگری در هر جای دنیا خوشایند است. اما اینکه این قضاوت تأثیری در انتخاب نقش داشته باشد یا خیر؟ جواب من خیر است چون این خود بازیگر است که از توانایی‌های خود آگاه است و خود بازیگر است که می‌داند از پس آن نقش بر می‌آید یا نه و آیا می‌تواند کارکتری را که بازی می‌کند متفاوت‌تر از بقیه کارهایش اجرا کند یا خیر.

به غیر از آن نوع و شکل و شمایل متن، کارگردان کار و البته بقیه اعضای گروه هم در انتخاب یک نقش تأثیرگذار هستند.

چالش برانگیزترین ویژگی این نقش چه بود؟

در اولین مواجهه نمایشنامه فریز مکبث فریز و کاراکتر مکداف به نظر کاراکتر و بازی آن ساده بود، اما رسیدن به ژست‌ها و ویژگی‌های بدنی کاراکتری که مد نظر آقای دادگر بود چالشی بود که دوست داشتم همیشه در آن پیروز باشم، چون تمام لحن و شکل گفتار کاراکتر حاصل فعالیت در بست و بدن کاراکتر مکداف است. به عبارتی از فعالیت بیرونی و رفتاری بیرونی مکداف هست که به اندیشه او در نمایش پی می‌بریم.

به عنوان یک بازیگر در این برهه سخت برای تئاتر امیدتان به چیست؟

این سوال همیشه پرسیده می‌شود و همیشه یک جواب دارد، حال بهتر تئاتر کجا؟ کی؟ و چگونه اش را... چه کسی باید پاسخ دهد؟ باور کنید من هم برای این هنر کلی امیدوارم....

از باز خورد مخاطب اینگونه بر می‌آید که جزو بازیگران موفق این اثر در نقش پردازی هستید این مسئله کار شمارا روی صحنه راحت‌تر می‌کند یا سخت‌تر؟

بازی کردن برای تماشاگر و به شکل زنده و پویا همیشه برای بازیگر سخت بوده و هست، استرس کشنده قبل از اجرا، عرق کردن دست‌ها و نفس‌های عمیق، تکرار و یادآوری لحظه‌های بازی برای ایفای درست نقش در هر اجرا برای بازیگر فقط و فقط با باز خورد تماشاگر در پایان هر اجرا تمام باعث آرامش او می‌شود. طبیعی است که هر قدر تماشاگر از نمایش و بازیگران آن راضی باشد مسئولیت بازیگران آن کار صد چندان می‌شود چون حفظ این روند در هر اجرا بر عهده بازیگر است و این وظیفه‌ای به شدت سنگین و سخت است.

به عنوان سخن پایانی با مخاطبین و مسئولین اگر صحبتی دارید بفرمایید.

اول از همه باید تشکر کنم از مخاطبان واقعی تئاتر که تئاتر را رها نکردند و با حضور خودشان باعث دلگرمی بچه‌های تئاتر شدند. باید بگویم مخاطب در روشن نگه داشتن چراغ تئاتر اگر تأثیر بیشتری نسبت به خود اهل تئاتر ندارد، کمتر هم نیست. پس از همه شما مخاطبان تئاتر تشکر می‌کنم. و اما مسئولین محترم با تئاتر مهر بان تر باشیم، خواهش من این است که به هنر تئاتر، نگاهی مصرفی نداشته باشیم، به چشم خریدار به تئاتر نگاه نکنیم و روی آن سرمایه‌گذاری نکنیم. تئاتر هنری تولید کننده است، می‌تواند در تولید فرهنگ و تداوم آن و صد البته معرفی آن به جوامع دیگر به شدت تأثیرگذار باشد، تئاتر یک هنر تفننی نیست، باور کنیم با سرمایه‌گذاری در هنر تئاتر می‌توانیم به فرهنگ و هنر ایران خدمت کنیم. لطفاً با این هنر و هنرمندان آن ارزان بر خورد نکنیم....

جمهور لطفاً تئاتر ببینید). به نظر من هم تئاتر دیدن برای مردان سیاست و حکومت امری ضروری است. صداقت و شفافیتی که در تئاتر وجود دارد کم نظیر است. صدای تئاتر را بشنوی، بها بدهید و حمایت کنید. صحنه تئاتر محل مناسبی است برای بیان دیدگاه‌های موافق و مخالف. بستری است برای بیان مشکلات و ناهنجاری‌هایی که در زیر لایه‌های اجتماع پنهان مانده. هنرمندان با بیان حرف‌های شان، چه به شکل اعتراض آشکار و چه به شکل نمادین، صادق‌ترین مشاورین شما هستند که حرف‌هایشان را در حضور شما می‌زنند. اگر به تئاتر و هنرمند تئاتری بها ندهید و حمایت نکنید این پتانسیل به بیراهه می‌رود. همچنین آقایان و خانم‌های کارگردان و تهیه‌کننده لطفاً تئاتر ببینید. تئاتر پایه و اساس سینماست و غم بزرگ‌گیت که چرا آنقدر از هم فاصله داریم. در حالیکه در یک عرصه فعالیت می‌کنیم. بازیگران فوق‌العاده خوبی در تئاتر وجود دارند و زحمت می‌کشند به امید اینکه روزی توانمندی‌های شان کشف شود. نه این که تئاتر به تنهایی کافی نیست و تئاتر مسیری است برای رسیدن به سینما، نه! هم به لحاظ گسترده‌گی مخاطب و هم اینکه این روزها امرار معاش کردن فقط با تئاتر بسیار سخت است. اما در دفاتر سینمایی، اتفاقات دیگری رقم می‌خورد و لایه‌های عجیبی وجود دارد که ظلم آشکار در حق بچه‌های تئاتر است. دوست دارم دعوتان کنم که به دیدن تئاتر بیایید بلکه حداقل پیش خودتان نسبت به بسیاری از انتخاب‌های تان در سینما پشیمان شوید. برخی از کارگردانان سینما می‌گویند که بازیگر جوان خوب برای اثرشان پیدا نمی‌کنند. نظر من این است که در جای اشتباهی به دنبال بازیگر هستند. تئاتر مولد بازیگر است و اگر به تئاتر سر بزنند در هر تئاتری حداقل یک بازیگر شاخص نظرشان را جلب خواهد کرد. تهیه‌کنندگان و کارگردانان این روزهای سینما تولید کننده نیستند، مصرف کننده‌اند. جرات معرفی بازیگر جدید به سینما را ندارند. تر جیح می‌دهند با همان گزینه‌های موجود پیش بروند. به خاطر همین است که برای نقش‌های جوان، بازیگران میانسال همچنان به زور گریم و لباس، به ایفای نقش می‌پردازند. تهیه‌کننده و کارگردان پادل و جرات کم شده است.



در متن آمده و کارگردان می‌گوید را اعمال می‌کند، بازیگر بدی نیست. عروسک خیلی خوبی است. اما بازیگر به شکل مستقل هویت دارد و صاحب تفکر، اندیشه و خلاقیت است، که باید ارائه دهد. کارگردان، پیشنهادات ارائه شده توسط بازیگر را می‌شنود، اگر پیشنهاد منطقی و در راستای تم و موضوع نمایش باشد قطعاً می‌پذیرد. بازیگر مولف کسی است که آورده‌ای با خود به تمرینات دارد. من این بخش ماجرا را بسیار دوست دارم. کما اینکه در تمرینات این اثر هم معتقد بودم که بنکو باید بسط و گسترش بیشتری می‌یافت و جاهای بیشتری بخصوص در کابوس‌ها و رویاهای مکبث دخیل می‌بود. اما نمایش مکبث را می‌توان از زوایای مختلف دید و آن زاویه‌ای که من از آن نگاه می‌کنم یعنی از نگاه بنکو، الزاماً منطبق با ذهنیت کارگردان نیست. و قرار نیست ذهنیت من به روی صحنه برود.

یک گلایه‌ای کنم از بعضی همکارانم. بزرگان و اساتید ما که همیشه الگوی ما هستند به ما آموختند که در تئاتر ما همه با هم یک گروه هستیم، یکی هستیم. در تمرینات وقتی صحنه‌ای را می‌گرفتیم، بلافاصله از باقی بازیگران راجع به بازی خودمان نظر خواهی می‌کردیم و اگر کسی نظری نداشت یا صحنه را ندیده بود دلخور می‌شدیم که چرا حواست به من نیست. لطفاً ببین و نظر بده. همه به هم کمک می‌کردیم که به بهترین شکل کارمان را روی صحنه ببریم. اما این روزها یک رویه ناپسندی که از سینما و کارهای تصویری به تئاتر راه پیدا کرده و بین بازیگران رایج شده که نباید به کار یکدیگر کاری داشته باشیم، نباید نظر بدیم، پیشنهاد کنیم و امثال این تعابیر. این اظهار نظر کردن‌ها دخالت در کار بازیگری نیست. پیشنهاد است که به ذهن من دوست و همکار می‌رسد. توبه عنوان بازیگر آن نقش، مختاری که بی‌ذبری یانه. تازه بعد از این که پذیرفتی و به نظرت رسید پیشنهاد خوبی آمد باید با کارگردان مطرح کنی و اگر ایشان تایید کرد، نهایی می‌شود. بعضی از بازیگران این روزها گویی معتقدند که در هنر بازیگری کامل و بی نقص هستند و کسی حق ندارد راجع به کارشان نظر بدهد. این را بیشتر برای جوان‌ها گفتم که آلوده‌ی این خودبزرگ بینی‌های کاذب و کشنده نشوند و همواره در پی آموختن باشند، حتی از کسی که اصلاً انتظارش را ندارند!

نظر شما در مورد آثار شکسپیر چیست و آیا کاراکتری در آثار شکسپیر هست که دوست دارید بازی کنید؟

خیلی وقت‌ها به این فکر می‌کنم چرا شکسپیر آنقدر بزرگ است و هنوز تدریس و تحلیل می‌شود و کارگردانان بزرگ در دنیا به آن می‌پردازند. معمولاً تأثیر آثار هنری با گذر زمان و تغییراتی که در سلاقی، فرهنگ و نشانه‌ها در ملل مختلف رخ می‌دهد کمرنگ می‌شود.

اما در مورد آثار شکسپیر این طور نیست. بسیار متون جذاب و پیچیده و مختص زمانه خاصی نیستند. در هر دوره‌ای که به سراغ شان برویم می‌بینیم که چقدر به درد همان زمانه می‌خورد. اینگونه است که هر چه زمان می‌گذرد ارزش، اهمیت و بزرگی آثارش بیشتر می‌شود. اگر آدم جسورتری بودم حتماً می‌گفتم که شکسپیر فرازمینی بوده، چون بزرگانی مثل شکسپیر تکرار نمی‌شوند. کاراکتر هملت، ریچارد و مکبث از کاراکترهایی هستند که دوست دارم روزی فرصت بازی شان برایم فراهم شود.

آیا بنکوی نمایش به ویژگی‌های اخلاقی و شخصیتی که در مکبث شکسپیر دارد پایبند است؟

بله ویژگی‌هایش حفظ شده است. بنکو در واقع رفیقی است که بر اساس سه ویژگی وفاداری، عقلانیت و انصاف همواره شناخته می‌شود و در مشکلات و بن‌بست‌های مکبث همیشه در کنارش حضور دارد اما در نهایت قربانی جاه‌طلبی مکبث می‌شود و بنکوی نمایش ما طبیعتاً و امدار بنکوی مکبث شکسپیر است هر چند که ما از زاویه دیگری به بنکو پرداخته‌ایم ولی ساختار همان ساختار است.

اگر از طریق رسانه صبا تمایل دارید تا مطلبی را عنوان کنید بفرمایید.

در رورانس نمایش (ترور) حمیدرضا نعیمی سخنی گفتند که بازتاب گسترده‌ای هم داشت (آقای رییس